

سازندگی در فضای بسته سیاسی

• صفحه ۲

شنبه ۱۹ مهر ۱۳۹۹ • ۲۲ صفر ۱۴۴۲ • ۱۱۰اکتبر ۲۰۲۰

حرف اول

شجریان نماد موسیقی فاخر و هنر مستقل

احسان شریعتی

زنده‌یاد شجریان در درجه اول یکی از صداهای برتر در جهان در سطح خوانندگان مطرح جهانی همچون پاوروتی و... بود. چنین استعداد خدادادی را از دوره جوانی و وقتی که در مسجدی در مشهد به‌شکلی خارق‌العاده اذان می‌گفت، به ارث برده و طبع‌آزمایی کرده بود؛ تا زمانی که در یونسکو و مجامع بین‌المللی به‌رسمیت شناخته شد. با این کیفیت صدا بود که جزء برترین استاد‌های آواز موسیقی کلاسیک شد و توانست آن سنت را تا حدود زیادی با بازخوانی و سازهای جدید احیا و نوسازی کند. بنابراین ایشان یکی از نمادهای موسیقی علمی، معنوی یا فاخر ایران‌زمین در دوره اخیر بود و این سنت را برای نسل جوان که از نظر ذائقه با دوره‌های قبل فاصله گرفته بود، دوباره بازسازی کرد؛ به‌گونه‌ای که بر زبان نسل‌های جوان جاری شد و آنها اشعار شاعران کلاسیک و حتی معاصر را به سبک خواندن ام‌می‌خواندند. بنابراین اشعار کلاسیک و معاصر مثل حافظ و مولوی و سعدی و... و از نیما به بعد با نخوانی استاد شجریان به سپهر عمومی منتقل می‌شد؛ البته در همکاری جریان‌وار با سازندگان و نوازندگانی همچون لطفی و علیرزاده و... و با ابداع سبک و سازهای جدید و پیرایش سنت موسیقایی که نماد این جریان بود؛ اما علاوه‌بر جنبه هنری و تخصصی و کیفیت صدا و نحوه خواندن، استاد شجریان از منظر شخصیت اجتماعی نیز ارزشمند بود و هم پیش از انقلاب و هم پس از انقلاب نسبت به قدرت مستقل ماند و تلاش کرد در کنار مردم باشد و به هنرمند رسمی تبدیل نشود.

ادامه در صفحه ۴

نگاه

شجریان راه درست را دنبال می‌کرد

ابراهیم گلستان

محمدرضا شجریان را هرگز ندیدم، اما یادم هست که در حدود ۶۰ سال پیش از این، برادر کوچکم که او هم سال‌هاست از دنیا رفته است، به من گفت کسی از خراسان آمده که خیلی خوب آواز می‌خواند. از آن زمان من با آقای شجریان تنها تماس سمعی و نه بصری داشته‌ام و حتما از کار او و آوازش خیلی خوشم می‌آمد و نیز از پشتکارش برای کار درست‌کردن خیلی خشنودم. شجریان نه‌تنها صدای خوبی داشت، تسلط او بر خوب خواندن از مشخصات کارش بود.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

قله آواز ایران در انحصار و فتح شجریان باقی مانده است

پیروز ارجمند

محمدرضا شجریان یکی از پدیده‌های قرن معاصر ایران است. به تعبیری می‌توان گفت شناخته‌شده‌ترین شخصیت هنری ایران در دنیا و مشهورترین و محبوب‌ترین هنرمند ایرانی در چند سده اخیر است. استاد محمدرضا شجریان، وجوه شخصیتی متفاوتی دارد و هرکدام از آنها قابل تحلیل و بررسی است. او در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمده و تلاوت قرآن را نزد پدرش که از قاریان بنام قرآن بوده، فرا می‌گیرد. فضای مذهبی-سنتی خانواده موجب می‌شود تا چند سال با نام سیاوش بیدگانی به اجرای آواز پیرازد تا زمانی که پدر ایشان متوجه فعالیت پسرش می‌شود و از آن زمان نام واقعی خانوادگی‌اش یعنی «شجریان» را استفاده می‌کند. بعد از حضورشان در تهران وارد رادیو می‌شوند و از این زمان تحولات جدی هنری استاد شجریان شروع می‌شود. شاید کمتر هنرمندی در آواز وجود دارد که در دوره‌ای تاریخی زندگی کند که بتواند تجربه زیست و همکاری با دو نسل پیش و سه نسل بعد از خودش را تجربه کند. محمدرضا شجریان در میانه‌ای از موسیقی‌دانانی قرار می‌گیرد که بخشی از آنها از بازماندگان موسیقی دوره قاجار بودند و تا دوره معاصر او را همراهی کردند. این موضوع موجب می‌شود تا استاد شجریان با استادان بسیاری معاشرت و فعالیت کند.

ادامه در صفحه ۳



پینگ‌پنگ سیاسی بین ۲ قوه

• صفحه ۳

سال هجدهم • شماره ۳۸۳۷ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

چرا اصولگرایان می‌گویند ترامپ و بایدن فرقی ندارند؟

احمد غلامی . سردبیر

با اینکه تا این زمان مردم در مواجهه با انتخابات ۱۴۰۰ هیچ کنش سیاسی‌ای از خود بروز نداده‌اند اما کنشگران سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا و اپوزیسیون به سمت بحث‌های انتخاباتی پیش رفته‌اند. تفکر غالب جناح‌های سیاسی داخلی (پوزیسیون) بر شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری است و مخالفان داخلی و خارجی اپوزیسیون بر عدم مشارکت تأکید دارند. آنچه این انتخابات را به نقطه عطفی در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران بدل کرده است، تجربه تلخ اعتراضات دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و از طرف دیگر نزدیکی انتخابات آمریکا به انتخابات ۱۴۰۰ است. بعد از خروج ترامپ از برجام، فشار حداکثری جمهوری‌خواهان بر ایران و ایجاد تنگناهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و دمسازی اپوزیسیون با این اعتراضات این دیدگاه را به وجود آورده است که پیروزی ترامپ به نفع آنان است . در مقابل اصلاح‌طلبان که تا چندی پیش ناامید بودند، با افزایش احتمال پیروزی بایدن به این باور رسیده‌اند که شاید برای انجام اصلاحات و برجام دیر نشده باشد. از این‌رو اندکانک به شیوه متفاوتی وارد فضای انتخاباتی شده‌اند. در هنگامه کارزار انتخاباتی ترامپ و بایدن چه موهوم باشد چه واقعی، در میان جناح‌های سیاسی ایران زیرپوستی رقابتی جدی درگرفته است. البته بیش از هر چیز این رقابت، میان اصلاح‌طلبان و اپوزیسیون داخلی و خارجی است.

ادامه در صفحه ۳

نگاه

محمدرضا شجریان مرغ سحر ما بود

بهمن فرمان‌آرا

محمدرضا شجریان استاد بی‌رقیب موسیقی سنتی ایران بود، در این موضوع هیچ شکّی نیست اما مهم‌تر از آن شجاعت و مردمی‌بودنش بود. او جایگاه اجتماعی رفیعی داشت. در دوره‌ای از زندگی‌اش وقتی مردم خس‌وخاشاک خوانده شدند، او در کنار مردم ایستاد و گفت من هم همان خس‌وخاشاکم. نگاه او باث شد نه‌تنها مردم از موسیقی او لذت ببرند، بلکه می‌داند این مرد بزرگ فراموش نکرده فرزند این کشور است و همواره کنار مردمش بوده است.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

شجریان؛ جانشین‌پرور، وفادار ساز

حامد طبیبی

استادی که در روز مرگ، ده‌ها دانش‌آموخته آموزش‌های او در شاخه‌های مختلف تخصص وی، نه در ایران که در نقاط مختلف جهان، به‌عنوان سرآمد و بهترین‌های همان تخصص، از آموزش‌گارش می‌گویند، یک مبحث مدیریتی رایج در این حوزه را برجسته کرده است؛ جانشین‌پروری. او خود را در تعداد این دانش‌جویان تکثیر کرده و احتمالا بسیاری با داشتن این احساس که تربیت‌شدگان او همچنان می‌توانند در این مکتب موسیقایی به‌عرضه داشته‌های خود به جوامع انسانی بپردازند، تحمل فقدان او را امکان‌پذیر می‌بینند. از پنجاهه ۱۷مهر که محمدرضا شجریان، بعد از بیم و امید دو، سه سال اخیر برای دوستدارانش، کالبد خاکی را برای خاکیان گذاشت و با ملوکوتیان همراه شد، درک اهمیت فعالیت هم‌زمان یک نخبه در دو حوزه کار و آموزش، بیش از پیش خود را نشان داد، چه اینکه هر قابی از اجرای او، انواع نام‌های بزرگ این عرصه را در کنار او نشان می‌دهد و رسانه‌های مجموعه‌ای از دانش‌جویانش دسترسی دارند تا از آموزش‌های آموزگار خود بگویند. تشریح جنبه فعالیت‌های آواز و موسیقی و ساخت سازهای جدید، توسط نخبگان و متخصصان این حوزه انجام شده و تا سال‌ها می‌تواند تداوم یابد؛ اما توجه به بخش آموزش او که دو جنبه عمومی و انفرادی دارد، منظور این یادداشت کوتاه است.

ادامه در صفحه ۳



محمدرضا شجریان در ۸۰ سالگی در اوج محبوبیت دیده از جهان فرو بست

شجریان شجره بی‌خزان

صدیری

تکرار حکایت تختی برای شجریان

بعید به نظر می‌رسد، وقتی تختی وارد سالن می‌شد، سالن کشتی منفجر می‌شد، همان احساسی که مردم نسبت به محمدرضا شجریان پیدا کرده بودند. او هم در زلزله بیم که آن خطه را سیاه‌پوش کرد، برای ساختن آن همه کار کرد. همین‌ها بود که وقتی سازش را برمی‌داشت و مرغ سحر را ترنم می‌کرد، قیامت به پا می‌شد. برای تختی شدن، برای محمدرضا شجریان شدن، داشته‌های دیگری باید؛ باید دلی پاک و صاف داشت، باید با مردم صادق بود و آنان را دوست داشت، با غم ملت اشک ریخت و با شادی آنها به وجد آمد. خیلی‌ها سعی می‌کنند محبوب شوند، اما نمی‌توانند. جمله معروفی است که «بعضی‌ها را می‌توان سرگرم کرد، برخی را تا مدتی، اما آنچه مسلم است همه را برای همیشه نمی‌توان سرگرم کرد». مشکل آثانی که می‌خواهند اما نمی‌توانند شجریان باشند، دقیقا همین‌جاست؛ از جایی دیگر به دل مردم نمی‌نشینند. خیلی‌ها نمی‌دانند برای تختی یا شجریان شدن، نیازی به شق‌القمروکردن نیست، رفتن شجریان به طرف مردم برای ایجاد محبوبیت و کاریزما نبود؛ تمام دلش رفت به سوی مردم و این دقیقا چیزی بود که مردم فهمیدند؛ مثل شعر فروغ که می‌گوید کسی می‌آید/ کسی می‌آید/ کسی که در دلش با ماست، در نفسش با ماست، در صدایش با ماست...». تختی و شجریان هم این‌گونه بودند؛ مردم احساس کردند قصد بهره‌برداری سیاسی از عواطف و احساساتشان را ندارند و اگر «مردم» می‌گویند، نه از سر حب جاه و جلال و به‌جایی‌رسیدن است، بلکه واقعا به مردم باور دارند. مشکل خیلی‌ها این است که متوجه نیستند مردم می‌فهمند و حس می‌کنند و حس مردم در بیشتر اوقات، آدرس درست می‌دهد؛ درست مثل حس به محمدرضا شجریان.



صادق زیبا کلام

چه چیزی تختی را سمبل و اسوه کرد؟ تشک کشتی، مدال المپیک ملیورن، ایستادن روی سکوی قهرمانی وزن هفتم جهان؟ شاید، اینها تختی را تختی کرد، اما حقیقت آن است که حبیبی، صنعتکاران، سوخته‌سرایی و خیلی کشتی‌گیران دیگر به‌مراتب از تختی بیشتر مدال گرفتند. پرشی که درباره محمدرضا شجریان هم می‌توان تکرار کرد؛ آیا آواز، موسیقی و هنر شجریان، آن جایگاه را که پنجاهه و جمعه از مقابل بیمارستان جم تا بهشت‌زهره و آرامگاه فردوسی بزرگ دیدیم برایش به وجود آورد؟ در اینکه صدای شجریان اسطوره بود، تردید نیست. در اینکه از همان ابتدا که ۵۰ سال پیش از مشهد به تهران آمد فقط و فقط خواند و از موسیقی جدا نشد، باز هم هیچ تردیدی نیست. در اینکه هنر را ابزار ثروتمندشدن، مشهورشدن و کبابیا برای خودش دست‌وپاکردن قرار نداد نیز شکی نیست، اما این همه شجریان نبود؛ همچنان که کشتی و کسب مدال همه تختی نبود، برای تختی شدن، برای محمدرضا شجریان شدن، باید چیزهای دیگری هم داشت. برای جای‌گرفتن در قلب مردم باید صفات دیگری هم داشت، وقتی ۶۰ سال پیش در بوئین‌زهره زلزله همه چیز را نابود کرد، غلامرضا تختی پشت یک وانت در خیابان‌های تهران راه افتاد و یک‌تنه چندین برابر جمعیت شیرخورشید برای مصیبت‌دیدگان آن خطه، کمک‌های مردمی جمع کرد. آیا اگر همه تیم ملی کشتی ایران آن روز جمع شده بودند، ممکن بود یک صدم تختی بتوانند کمک مردمی کسب کنند؟



محمدحسین شریف‌زادگان

درگذشت محمدرضا شجریان، استاد تانباک موسیقی سنتی ایران برای دوستداران ایشان و فرهنگ‌دوستان ایران‌زمین، اندوهی بزرگ بر جای نهاده است. موسیقی در همه کشورها جزء مهمی از فرهنگ آن جامعه است؛ زیرا تجلی بروز احساسات، اندیشه‌ها و وقایع آن جامعه به زبان شعر، هنر، صدا و آهنگ است. موسیقی بیانگر فرهنگ و مانند شیوه زندگی‌کردن است. هر جامعه‌ای که سوابق تاریخی پیچیده و عمیقی دارد، دارای موسیقی غنی‌تری است. موسیقی قوی‌ترین نماد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه است؛ بی‌غلت نیست که در مقاطع مختلف تحولات اجتماعی ایران، شاعران و موسیقی‌دان‌ها آوازی سرمی‌دادند که بیانگر دردها و آلام جامعه و جزئی‌ای از حافظه تاریخی ملت ایران می‌شد. در انقلاب مشروطیت «مرغ سحر» گویای شهدای وطن می‌شود و در جنگ جهانی دوم و اشغال ایران آواز «ای ایران» سراییده و خوانده می‌شود و در جنگ ایران و عراق در رثای شهیدانی که جان شیفته خود را نثار استقلال ایران می‌کنند، آواز «ای شهید» سر برمی‌آورد. زمانی دیگر، موسیقی و آواز «تفنگت را زمین بگذار» طنین می‌اندازد. از سوی دیگر موسیقی از اولین هنرهای بشر است و صدای کار و تلاش و جدال با طبیعت برای کشاورزی، ماهیگیری و کار دسته‌جمعی همراه با صدای طبیعت است. موسیقی اصیل تلاش دارد صدای خود را با صدای طبیعت همساز کند؛

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه آخر